

آنان در جمعیت فعال اقتصادی حدود ۳۰ درصد و در برخی از کشورها بسیار کمتر از این رقم برآورد می‌شود. طبق آمار سازمان بین‌المللی کار (I.L.O) زنان الجزایری با ۸ درصد کمترین و زنان فنلاندی با ۴۷ درصد بیشترین سهم اشتغال را دارند. بیش از ۴۵ درصد از زنان جهان که بین ۱۵ تا ۶۴ سال سن دارند در فعالیتهای اقتصادی مشغول هستند.

در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۰ تنها ۱۵ درصد از کل نیروی کار، زنان بودند. تا سال ۱۹۸۹ این رقم به بیش از ۴۰ درصد رسید و در سال ۱۹۹۵ زنان بیش از ۴۵ درصد کل نیروی کار در آمریکا تشکیل می‌دادند. با این وجود تنها ۶ درصد زنان در رده مدیران هستند. اخیراً تنها ۳۰ درصد از آمریکادر اختیار زنان است.

مسأله نابرابری بین زن و مرد در تصدی مشاغل مدیریتی، دارای ریشه‌های تاریخی است. در نیمه دوم قرن بیستم توجه به زنان به عنوان نیروی کار، مدیر و سیاستمدار، هم در تئوری و هم در عمل تغییر یافته است. در طی سالهای پیش از ۱۹۷۵ در جهت کمک به این گروه اجتماعی، بیشتر مسائل رفاهی مطرح می‌گردید. تمامی تلاشها در جهت فراهم نمودن امکاناتی برای تأمین حمایتها از طریق اجرای پروژه‌های کوچک و برآورده نمودن مهم‌ترین نیازهای اساسی انسان بود.

در این دوره مقرر شده بود که زنان از مزایای برنامه‌های رفاهی برخوردار شوند و فائق آمدن بر نابرابریهای جاری هدف اغلب برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه شده بود. در سالهای اخیر این دیدگاه به نگرش جدیدتری متحول شده است. در این نگرش زن تنها دریافت کننده کمک نیست، بلکه توصیه کننده، مشارکت کننده و در عین حال برخوردار شونده از امکانات به دست آمده در فرآیند توسعه نیز می‌باشد.

با این وجود زنان حق اندکی در انتخاب شدن به عنوان مقامات عالی رتبه مدیریتی و

تعاونی‌ها علاوه بر آثار اقتصادی در رشد و ارتقاء فرهنگ همکاری و یاریگری در جامعه، مشارکت فعالانه مردم در امور مختلف، در حرکت به سمت گسترش عدالت اجتماعی، ارتقاء سطح دانش و آگاهی و همبستگی افراد و بسط و توسعه روحیه دموکراسی نیز مؤثرند. این تشکلهای اقتصادی با ایجاد اشتغال شرایط زندگی

میلیونها انسان را در سراسر گیتی بهبود می‌بخشند. اهمیت این تشکلهای در ایجاد فرصتهای شغلی تا به اینجاست که سازمان بین‌المللی کار (I.L.O) شعار سال خود را (سال ۲۰۰۰)

تعاونی‌ها و توسعه اشتغال عنوان نموده است. در این میان ایجاد فرصتهای شغلی توسط تعاونی‌ها برای زنان که فرصتهای شغلی کمتری نسبت به مردان به ویژه در کشورهای در حال توسعه دارند اهمیت بیشتری دارد. تعاونی‌ها بنا به ماهیت خاص خود می‌توانند فرصتها و موقعیتهای شغلی مناسبی را برای زنان فراهم آورند.

زنان و سهم آنها از اشتغال

در گزارشهای توسعه انسانی سازمان ملل، بهره زنان از منابع توسعه، بسیار کم توصیف شده است. زنان گرچه نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهند ولی سهم

تعاونی‌ها رویکردی برای گسترش فعالیت زنان در جامعه

○ دکتر رئوف رابلی

تعاون نهضتی است اقتصادی که روشهای آموزشی را به کار می‌برد، این بیان به همان اندازه صحیح است که بگوییم تعاون نهضتی آموزشی است که روشهای اقتصادی را به کار می‌برد.

فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی مطرح گردید. در خصوص احراز مشاغل مدیریتی ابعاد گسترده‌تری دارد. مطالبات انجام شده نشان می‌دهد سقف شیشه‌ای بسیاری از زنان را، در بالا رفتن به سوی پست‌های مدیریت و رهبری باز می‌دارد. سقف شیشه‌ای، نگرش ما و تعصبات منفی است که مانع از آن می‌شود تا زنان و گروه‌های اقلیت واری یک سطح خاص در سلسله مراتب سازمانی جای بگیرند. لازم به ذکر است یک سوم زنان شاغل در پست‌های منشیگری، یک چهارم دیگر در حوزه‌های مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی و تولیدات مواد غذایی هستند. حتی در شغل‌های سنتی زنانه نیز، زنان پست‌های کلیدی را در ارتباط با شغلشان ندارند. برای مثال در مدارس، زنان تدریس می‌کنند ولی مردان سازماندهی، طرح ریزی، هدایت و کنترل را انجام می‌دهند.

تعاونی‌ها راهکاری مناسب برای اشتغال زنان

تعاونی اقدام گروهی سازمان یافته در جهت بهبود بخشیدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی افرادی است که امکانات محدودی در اختیار دارند و از طریق کمک‌های متقابل که توسط همان گروه، تأمین مالی و کنترل می‌شود، اداره می‌گردند. با این تعریف، جهت‌گیری برای هر تعاونی یا هر ترکیبی از اعضا در مورد جنسیت، بایستی در جهت عدالت اجتماعی، کنترل دموکراتیک، خود اتکایی و رهبری، مستقل باشد.

تعاونی‌ها با برخورداری از اعضا خود از حقوق مالکیت نسبت به کل سرمایه و دارایی‌های تعاونی، متناسب با میزان سهام خود، مالکیت اعضا بر حاصل کار و تلاش خویش، حقوق مساوی اعضا در تصمیم‌گیری‌های اساسی مجمع عمومی (اصالت انسان در تصمیم‌گیری)، موجبات ارتقاء بهره‌وری منابع و سبزی (تطابق) را فراهم می‌آورند. و در عین حال همکاری تعاونی‌ها بایکدیگر و متشکل شدن آنها در قالب اتحادیه به منظور رفع موانع و حل مشکلات، شیوه‌ای

حضور مثبت و مفید زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، هنوز موانع اساسی در این زمینه وجود دارد. موانعی که می‌توان گفت در اغلب کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه، کمابیش و با درجات اهمیت مختلف به چشم می‌خورد و مادامی که موانع برداشته نشود، نمی‌توان شاهد حضور گسترده این بخش از جامعه در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و ... باشیم.

از نظر اقتصادی تعدادی از کارفرمایان، بهره‌گیری از زنان را اقتصادی نمی‌دانند و بالا بودن میزان باروری زنان در کشورهای در حال توسعه و افزایش مرخصی زایمان از یک طرف و جایگزینی نیروی کار از طرف دیگر، مشکلاتی را برای کارفرمایان به دنبال داشته است. ضمن اینکه به لحاظ قواعد و عرف حاکم بر بسیاری کشورها، زنان سرمایه‌های لازم برای فعالیتهای اقتصادی ندارند.

بی‌سوادی و پایین بودن سطح تحصیلات زنان از جمله دیگر موانع، برای فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی آنها محسوب می‌شود. آموزش، ضمن تقویت آگاهی افراد، استعدادها و اندیشه‌های آنها را بارور می‌سازد که متأسفانه در برخی از کشورهای در حال توسعه، امکانات آموزشی برای زنان کمتر از مردان است و در عین حال در حرکت‌های ناآگاهانه برخی رسانه‌ها، کتب آموزشی و ... زنان به عنوان افرادی خانه نشین و کسانی که مهم‌ترین وظایف آنها تربیت و رسیدگی به کودکان، خانه‌داری و امثال آن، معرفی شده‌اند. اگر چه در طی سال‌های گذشته برای تغییر این نگرش فعالیتهایی انجام گرفته اما ضرورت انجام حرکت‌های هماهنگ و گسترده در جهت اصلاح این نگرشها کاملاً احساس می‌شود.

آنچه که بعنوان موانع مشارکت زنان در

سیاسی داشته‌اند بطوریکه در سال ۱۹۹۷ زنان به طور میانگین حدود ۱۱/۷ درصد قسانونگذازان ملی و ۱۰ درصد پست‌های مدیریتی را در سراسر جهان بر عهده داشتند. پژوهش‌های بسیاری مؤید این است که آینده نیازمند هر چه بیشتر نیروی بالقوه زنان در مدیریت است.

ضرورت‌های حضور زنان در

فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی

امروزه بهره‌گیری از زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ضرورتی است که بیش از گذشته مورد توجه و تأکید است. درگیر شدن زنان در امور خاص ضمن ایجاد فرصتهای شغلی و کاری برای آنها، می‌تواند رضایت بیشتری را برای بخشی از استفاده کنندگان از این خدمات به دنبال آورد. در عین حال به نظر می‌رسد در فعالیتهای ظریف و حساس در مواردی زنان، کارآیی و اثر بخشی بیشتری داشته باشند، این امر امکان صرفه جویی و استفاده بیشتر و بهتر از منابع را به دنبال دارد.

اشتغال زنان و درگیر شدن آنان در فعالیتهای اقتصادی ضمن کمک به اقتصاد خانواده (و به تبع آن اقتصاد جامعه) به رفتار اقتصادی و صرفه جویی در خانواده و جامعه و افزایش پس انداز (احتمالاً سرمایه‌گذاری) نیز کمک می‌کند. اشتغال زنان در جامعه به معنی بهره‌گیری از سرمایه‌گذارهای به عمل آمده برای توانمندسازی و واکنش زنان است. در کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذارهای آموزشی برای ارتقاء توانمندیهای زنان به علت عدم وجود زمینه‌های اشتغال، بدون بازدهی بوده است.

موانع مشارکت زنان در فعالیتهای

اقتصادی، اجتماعی

به نظر می‌رسد عیلرغم آگاهی از تأثیر

مطلوب از همکاری را به جای رقابت در تعاونی‌ها به وجود آورده است.

در پیام بخش تعاون سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۰ تعاونی‌ها این‌گونه توصیف شده‌اند:

تعاونی‌ها محفلی برای کار گروهی اعضا در یک واحد تولیدی مشترک می‌باشند. به این ترتیب با تشکیل شرکت تعاونی، یک مرکز خود اشتغالی سازمان یافته ایجاد می‌شود که نمونه‌های شاخص نیز، تعاونی‌های کشاورزی و تعاونی‌های کوچک صنعتی هستند.

تعاونی‌ها همچنین می‌توانند به عنوان کارفرما عمل کنند. این تعاونی‌ها تحت مالکیت صاحب کار قرار داشته و حقوق بگیرانی را که الزاماً عضو تعاونی نیستند به استخدام در می‌آورند. همچنین تعاونی‌ها در ترویج خود اشتغالی و امکان سازی آن فعالیت دارند.

در تعاونی‌ها زنان می‌توانند تصمیم گیر، انتخاب کننده، رهبر و اجرا کننده باشند و نیز در سطوح مختلف تعاونی فعالیت داشته باشند. ایفای نقشهای مدیریتی، بازرسی و اجرایی با توجه به توان و قابلیت‌های زنان امکان پذیر است و در این موارد هیچ تمایزی بین آنها و مردان وجود ندارد. در واقع میتوان گفت: تعاونی‌ها جایگاهی بسیار مناسب برای ایفای نقشهای جدید، توسط زنان است و به کمک تعاونی‌ها، می‌توان نگرش جدید به زنان و جایگاه آنان در جامعه را جامه عمل پوشاند.

تجربیات گذشته بیانگر موفقیت زنان تعاونگر در کشورهای مختلف دنیا است. فعالیت زنان چه در قالب تعاونی‌هایی همچون تولید مواد غذایی (شیرینی، مربا و ...)، خدمات آموزشی (مهد کودک، آموزشگاههای رانندگی، تعلیم خیاطی، گلدوزی) پوست و چرم و تولیدات وابسته (کیف، پوشاک طبیعی ...)، و دیگر زمینه‌های مشابه که از گذشته وجود داشته، می‌تواند با توجه به بالا رفتن قابلیت‌ها، توان و دانش زنان در محورهای جدید همچون ارائه خدمات

بهداشتی، درمانی، خدمات نرم‌افزاری و کامپیوتر، خدمات مشاوره‌ای حقوقی، مدیریتی، طراحی سیستم‌های اداری مالی و حسابرسی، تولید محصولات الکترونیکی و یا مونتاژکاری و ... در چارچوبهای مشخص و تعریف شده توسعه یابد. متشکل کردن زنان در تعاونی‌ها رویکردی بسیار مطلوب برای بهره‌گیری از این قابلیت‌ها است و زنان می‌توانند با اتکاء به توانمندیهای خویش، وظایف مدیریتی، بازرسی و اداره امور اجرایی را بر عهده گیرند.

پیشنهاداتی برای توسعه و

گسترش نقش زنان در تعاونی‌ها

زنان دارای قابلیت‌ها و توانمندیهای خاص خود می‌باشند و تعاونی‌ها رویکردی مطلوب برای بهره‌گیری از این قابلیت‌ها و توانمندیها است. موارد ذیل پیشنهاداتی برای ارتقاء نقش و فعالیت زنان در تعاونی‌ها است:

۱- توانمند سازی زنان در تعاونی‌ها:

یکی از عمده‌ترین مسائلی که زنان کار آفرین برای کسب موفقیت در تعاونی به آن نیاز دارند، ایجاد توانمندی در خویش است. تعاونی‌ها توسط خود زنان تشکیل و اداره خواهد شد و بر این اساس، زنان در تعاونی به انگیزه، علاقه و جسارت و همچنین استمرار فعالیت نیاز دارند. توانمند سازی زنان به این معنی است که:

- بر شرم بی‌مورد خود فائق گردند.
- کردار و گفتار آمیخته به اعتماد به نفس و حاکی از اطمینان داشته باشند.

- قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویش باشند.

- به استعدادها و محدودیتهای درونی خویش آگاه باشند.

- قدرت رویارویی با مشکلات را داشته و ضمن مقابله در رفع آنها کوشش نمایند.

- شناخت دقیق از هدف مورد نظر و توان عملی ساختن آن را داشته باشند.

- اعتقاد به توانایی و قابلیت درونی رسیدن به خواسته خود را دارا باشند.

زنان می‌بایست اعتماد به نفس و اطمینان داشته باشند. مطالعات نشان می‌دهد، زنان در مقایسه با مردان موفقیت خود را به جای نسبت دادن به مهارت و شایستگی، به شانس و اقبال واگذار می‌کنند. این نگرش باعث تأثیر منفی در دیگران و رشد زنان را در سازمان محدود کند.

۲- آموزش و ارتقاء دانش و اطلاعات تخصصی زنان:

تعاون نهضتی است اقتصادی که روشهای آموزشی را به کار می‌برد. این بیان به همان اندازه صحیح است که بگوییم تعاون نهضتی آموزشی است که روشهای اقتصادی را به کار می‌برد. چنانکه یک سازمان تعاونی بدون جنبه آموزشی در کارها و عملیات، دیگر تعاونی محسوب نمی‌شود. آموزش مستمر مدیران و کارکنان تعاونی‌ها برای ارتقاء آگاهی و دانش آنها بسیار ضروری است و نباید فراموش کنیم که با دانش کم و یا روشهای آزمون و خطا و یا شیوه‌های سنتی، نمی‌توان تعاونی‌های موفق در بخش زنان داشته باشیم.

۳- پیش بینی جایگاه مناسب برای زنان در تعاونی‌ها:

زنان می‌توانند در تعاونی‌ها جایگاه و نقش بیشتری را نسبت به گذشته ایفا نمایند. به نظر می‌رسد زمینه‌های بسیار مساعد برای جایگزین کردن زنان در تعاونی‌ها به جای مردان و یا در کنار مردان وجود دارد. تجربیات موفق در این زمینه وجود دارد که باید توسعه یابد.

جنبش تعاونی‌های مصرف کنندگان ژاپن با درک عدم حضور کامل بانوان در امور تعاونی‌های مصرف، تلاش برای همکاری این گروه و سرعت بخشیدن به روند آن را ضروری تشخیص داد و زنان را به جای مردان به عضویت در تعاونی‌ها در آوردند. (اگر چه عضویت زنان و شوهران از یک خانواده در تعاونی‌های مصرف که به صورت جداگانه ثبت نام کرده و عضو شده‌اند امکان پذیر است). نقش زنان در اداره امور اقتصادی خانواده و تصمیم‌گیری در



۵- راه‌اندازی اتحادیه‌ها و تعاونی‌های پشتیبانی و تأمین نیازهای تعاونی‌های زنان:

بررسی نگارنده در خصوص عملکرد تعاونی‌های زنان و بررسی مسائل و مشکلات آنها به ویژه تعاونی‌هایی که در نقاط دور افتاده و شهرستانهای محروم راه‌اندازی شده‌اند، مؤید این مطلب است که این تعاونی‌ها غالباً در تأمین مواد و وسائل مورد نیاز از یک طرف و فروش و عرضه محصولات تولیدی خود به بازار با مشکلات متعددی روبرو هستند. در این زمینه می‌باید ضمن آموزش مدیران و مسئولین تعاونی، اتحادیه‌های تخصصی و تعاونی‌های حمایتی و پشتیبانی از تعاونی‌های زنان راه‌اندازی شوند.

مقطع ضروری است.

تعاونی‌های زنان می‌باید در زمینه‌هایی همچون بهداشت و درمان، صنایع نرم‌افزار و الکترونیک، طراحی سیستم و ارائه مشاوره‌های حقوقی، مالی، حسابرسی و سایر فعالیتهای تولیدی و خدماتی فعالیت‌های بیشتری داشته باشند.

در طراحی الگوهای مناسب برای فعالیت زنان در تعاونی‌ها توجه به شرایط خاص زنان و مسئولیتهای آنها در قبال خانواده، تربیت فرزندان و ... بسیار مهم است. طراحی فعالیتهایی که امکان انجام آنها در خانه وجود دارد مفید می‌باشد. این رویکرد در تعاونی‌های توپ دست دوز ورزشی^۲ به عنوان یک رویکرد موفق در کشورمان درآمده است.

انتخاب کالاها، فعالیت زنان در تعاونی‌ها را معنی‌دار نمود و زنان به اعضاء فعال تعاونی‌های مصرف درآمدند. این تجربه موفق می‌تواند گسترش و توسعه یابد.

۴- طراحی الگوهای مناسب و اقتصادی برای فعالیت زنان در تعاونی‌ها:

بررسی تعاونی‌های تشکیل شده توسط زنان، بیانگر آن است که اغلب این تعاونی‌ها در رشته‌های صنایع دستی و سنتی، همچون قالی بافی، گلدوزی ... و یا تولید مواد غذایی خانگی و پوشاک فعالیت دارند. به نظر می‌رسد تغییر این نگرش که زنان باید در تعاونی‌های کوچک و محدود و در فعالیتهای خانگی، سنتی و دستی مشغول باشند، در این